

## خوانش داستانی از کلیله و دمنه با رویکرد بینامتنیت و گفتمان

زهره دولتی<sup>۱</sup>

### چکیده

دوره غزنوی یکی از دوره‌های مهم زبان و ادبیات فارسی است. در این دوره، متون بسیاری تألیف یا از زبان‌های دیگر ترجمه شدند که در ادبیات فارسی ماندگار گردیده و در متون دوره‌های پس از خود نیز تأثیر گذاشته‌اند. کلیله و دمنه از جمله متون فاخر این دوره به شمار می‌رود. با خوانش این متن کهن با رویکرد بینامتنیت و گفتمان، می‌توان تأثیر این کتاب را در متون پس از آن بررسی کرد. گفتمان‌های حاکم در یک متن لایه‌های پیدا و پنهان یک جامعه را در زمان تألیفشان بازتاب می‌کنند. در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نظریه بینامتنیت ضمنی و تحلیل انتقادی گفتمان، در داستان «درودگر و زن او و دوستگان زن» از کتاب کلیله و دمنه پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که تحلیل عناصر این داستان می‌تواند پیوندهای بینامتنی و گفتمان‌های حاکم در آن را نمایان سازد و موجب مشخص شدن وجوه جامعه‌شناختی در آن شود.

**کلید واژگان:** بینامتنیت، گفتمان، دوره غزنوی، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران- جنوب. پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی.

## مقدمه

قرن ششم از دوره‌های درخشان تاریخ ادبیات فارسی است. متون فاخری در این دوره تألیف و از زبان‌های دیگر ترجمه شدند. دوره غزنویان از دوره‌های مهم اجتماعی و ادبی این قرن به شمار می‌رود. نویسندگان و شاعران این قرن با متون پیشین آشنایی داشتند و در متون پس از خود تأثیرگذار بوده‌اند. کلیله و دمنه یکی از متون فاخر این دوره، شامل حکایت‌های بسیاری در حوزه تعلیم و تربیت است. نصرالله منشی این کتاب را در آغاز قرن ششم (دوره غزنویان) از عربی به فارسی ترجمه‌ای آزاد کرد. متون پیشین همچون سنسکریت، پهلوی، عربی، فارسی در این ترجمه تأثیر گذاشته‌اند. بنابراین، این متن به جزء بررسی ارزش ادبی از لحاظ جامعه‌شناختی و تاریخی این دوره نیز اهمیت دارد که از ویژگی‌های متون این دوره است.

نظریه‌های گفتمان و بینامتنیت در دوره معاصر خوانش<sup>۱</sup> متون را متحول و به شناخت جامعه‌شناسانه متن‌ها کمک کرده‌اند. پیوستگی این دو نظریه با یکدیگر می‌تواند در تحلیل لایه‌های پیدای پنهان یک متن، و جوهر گوناگون ادبی، جامعه‌شناختی، تاریخی و... را در آن متن بازیابی کند. در این مقاله، به خوانش داستان «درودگر و زن او و دوستگان زن» از کتاب کلیله و دمنه با توجه به عناصر داستان و نظریه ریخت‌شناسی قصه‌های پریان پراپ پرداخته می‌شود. تحلیل عناصر داستان پیوندهای بینامتنی این داستان را با داستان «درودگر با زن خویش» از کتاب مرزبان‌نامه نشان می‌دهد. پیوندهای بینامتنی گفتمان‌های مشترک این دو کتاب را که در بازه زمانی قرن ششم ترجمه شده‌اند (کلیله و دمنه در آغاز قرن ششم و مرزبان‌نامه در پایان همان قرن) بیان می‌کنند.

## پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری متون گوناگون ادبیات فارسی را با شکل‌گیری نظریه بینامتنیت و گفتمان تحلیل و بررسی کرده‌اند و در این زمینه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده‌اند. در مورد تحلیل داستان‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه با روش تحلیل گفتمان انتقادی و بینامتنیت ضمنی در این دو متن پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. اما در مورد پیشینه این مقاله می‌توان به آثاری همچون مقاله «نقد و تحلیل قصه‌ای از مرزبان‌نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت» از محمود رضایی دشت‌ارژنه اشاره داشت. در این مقاله رابطه‌های بینامتنی داستانی از مرزبان‌نامه با متون دیگر نقد و

بررسی شده است (رضایی دشت‌ارژنه، ۱۳۸۷). اسماعیل نرماشیری با رویکرد نشانه-معناشناسی در مقاله «خوانش تحلیلی گفتمان «شاهزاده و یاران او» در کلیله و دمنه بر پایه نشانه-معناشناسی» با استفاده از قابلیت‌های معناسازی و چگونگی ظهور مؤثر آن در اندیشه‌ی راوی و گستره کردن گفتمان‌های حاکم در یک جامعه این داستان را ارزیابی کرده است (نرماشیری، ۱۳۹۷). نگارنده نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «گفتمان و بینامتنیت در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه» به تحلیل داستان‌های این دو کتاب با رویکرد بینامتنی و گفتمان پرداخته است (دولتی، ۱۳۹۲). در این پایان‌نامه نخست به تحلیل گفتمان‌های دو کتاب پرداخته شده است. سپس، داستان‌های موجود در هر دو کتاب که با یکدیگر رابطه بینامتنی دارند، بررسی شده‌اند تا بتوان نوع رابطه بینامتنی را در این دو متن تحلیل کرد.

## ۱. گفتمان و بینامتنیت

نظریه‌های گفتمان و بینامتنیت در نقد جدید، خوانش متون را متحول و مسائل جوامع گوناگون را درون متن‌ها در بازه زمانی تألیف آن متن-بازتاب می‌کنند. با این دو نظریه، خوانش متون رنگ دیگری گرفته و به مسائل جامعه‌شناسی متن‌ها کمک شده است.

متن ادبی به عنوان اثر نویسنده به جهان‌بینی محیط اطراف او متعلق است، بنابراین، در یک متن ادبی سه مسئله با یکدیگر تعامل دارند: ۱. اثر؛ ۲. جهان‌بینی اطراف نویسنده و ۳. محیط اجتماعی و اقتصادی آن اثر. نویسنده مجموعه‌ای از واژه‌ها را در حافظه دارد که از این مجموعه، برگرفته از گفتگوهای محیط زیست او گفتمان‌های آن اثر ساخته می‌شود (کهنمویی‌پور و خاوری، ۱۳۸۸: ۲۸). گفتمان‌های مختلف در دوره‌های تاریخی در متن‌های گوناگون تکرار می‌شود و از متنی به متن دیگر می‌روند. نویسندگان بسته به عوامل یادشده گفتمان‌های پیشین را با جهان‌بینی خود وارد یک متن می‌کنند. بعضی گفتمان‌ها عیناً تکرار می‌شوند و برخی دیگر ریشه در لایه‌های پنهان متن دارند. تکرار گفتمان‌ها درون متن‌ها رابطه‌های بینامتنی را می‌سازند.

تحلیل روابط بینامتنی نقش مهمی در پیوست متن و بافت دارند. این تحلیل‌ها مرکز توجه را به عمل گفتمانی تولیدکنندگان و تحلیلگران یک متن معطوف می‌کنند که این مسئله به ماهیت عمل اجتماعی-فرهنگی بستگی دارد و ویژگی‌های آن در متن‌های ناهمگون متجلی می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

تحلیل گفتمان و بینامتنیت در یک اثر می‌تواند لایه‌های پیدای و پنهان آن متن را به خواننده نشان دهد و مسائل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را در هر دوره تاریخی بازتاباند.

## ۲. خوانش داستان «درودرگر و زن او و دوستگان زن» از کلیله و دمنه

همان طور که گفته شد، کلیله و دمنه شامل حکایت‌ها و داستان‌های گوناگون در قالب ادب تعلیمی است. این کتاب را نصرالله منشی اوایل قرن ششم<sup>۱</sup> در زمان بهرام‌شاه و خسروشاه غزنوی از عربی به فارسی با نثری منشیانه ترجمه کرد. کلیله و دمنه از نظر ویژگی‌های سبکی به سه دلیل اهمیت دارد: نخست به لحاظ فکری که کتاب کیاست و سیاست است؛ دوم به دلیل تاریخ نثر فنی، به طوری که نویسندگان این سبک به آن نظر داشته‌اند و از آن نام برده‌اند؛ و سوم از نظر تلخیص و شرح بازنویسی (شمیسا، ۱۳۸۷: ۸۵). یکی از داستان‌های این کتاب داستان «درودرگر و زن او و دوستگان زن» از باب چهارم بوف و زاغ (منشی، ۱۳۷۹: ۱۹۱-۲۳۷) به طور خلاصه بدین شرح است: درودگری در شهر سرن‌دیب، زنی بی‌همتا در زیبایی داشت و شیفته او بود. یکی از همسایگان روزی زن را دید و دل در عشق او بست. اقوام شوهر از این واقعه اطلاع پیدا کردند و به درودگر گفتند. درودگر برای آنکه از شنیده‌های خود مطمئن شود؛ به همسرش گفت: قصد سفر دارد و از زن خواست برایش توشه‌ای سازد. هنگام خداحافظی، درودگر به زن گفت: در خانه را محکم ببند تا در نبود من مشکلی پیش نیاید. هنگامی که درودگر از خانه خارج شد، زن معشوق را به خانه دعوت کرد. درودگر از راه پنهانی وارد خانه شد و معشوق را دید. درودگر در زیر تخت پنهان شد تا باقی خلوت را مشاهده کند. ناگهان زن پاهای مرد را دید و به معشوق گفت: به آواز بلند از من بپرس که «مرا بیشتر دوست داری یا شوهرت را؟» معشوق پرسید و زن جواب داد: این چه سؤالی است؟ نیازی نیست که من به تو جواب دهم. معشوق اصرار کرد و زن گفت: زنان از روی سهو یا شهوت چنین کاری شاید بکنند؛ اما اخلاق و کردار معشوق برای آنان اهمیت ندارد. به محض آنکه، حاجت نفس کم شود، معشوق برای آنان بیگانه باشد. اما شوهر برای زن مانند پدر، برادر و فرزند اهمیت دارد. مرد چون این سخنان را شنید، دلش به رحم آمد و گفت: چه اشتباهی در مورد همسرم کردم. زن بیچاره در عشق من سوزان است و هیچ کسی از خطا معصوم نیست. بهتر است، آبروی او را پیش این مرد نریزم و تا صبح زیر تخت بمانم. معشوق رفت و مرد از زیر تخت بیرون آمد. مرد، زن را از خواب بیدار کرد و به او گفت: اگر به خاطر تو نبود، کار معشوق را می‌ساختم و آبروی او را می‌بردم. زن نیز سکوت کرد و خشم مرد پایان یافت (منشی، ۱۳۷۹: ۲۱۷-۲۲۱).

غزنویان برای آنکه نام خود را در تاریخ ماندگار کنند، به متون اهمیت می‌دادند، بنابراین، ادبیات

این دوره در تاریخ ادبیات فارسی تأثیرگذار، ماندگار و غنی است. کلیله و دمنه همان طور که از متون متقدم سنسکریت، پهلوی، عربی و فارسی تأثیر گرفته، در کتاب‌های پس از خود نیز تأثیر گذاشته است. مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی یکی از متون تأثیر پذیر از این اثر جاودان و ارزشمند است. او در مقدمه کتاب خود به صراحت از متونی که از آنها تأثیر گرفته است، نام می‌برد: «... بعضی از آن کتب اسمار و حکایات یافتیم به سیاق مهذب و عبارت مستعذب آراسته و الفاظ تازی در پارسی به حسن ترکیب و ترصیف استعمال کرده و جمال آن تصنیف فی ابْهی ملبس و اشْهی منظر بر ابصار اهل بصیرت جلوه داده چون کلیله که اکلیلی ست فرق مفاخران براعت را به غرر لآلی و درر متلالی مرصع...» (وراوینی، ۱۳۶۶: ۸-۹).

مرزبان‌نامه در دوره سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه ترجمه شده، این دوره از لحاظ سیاسی بی‌ثبات و چند حکومتی است. زمینه‌های ورود مغول به ایران فراهم و ادبیات در این دوره رو به زوال است. اگر کسی همت به کاری می‌گمارد، تأثیر علم و ادب دوره پیشین در اثرش نمایان است. در مرزبان‌نامه داستان «درودرگر با زن خویش» از باب هشتم شتر و شیر پرهیزگار (همان: ۵۵۹-۶۴۷) پیوندهای بینامتنی و گفتمان‌های مشترک با داستان «درودرگر و زن او و دوستگان زن» از کلیله و دمنه دارد. خلاصه این داستان به شرح ذیل است:

درودرگری چیره‌دست، زنی نیکوروی و خوب پیکر داشت. هر شب که درودگر خوابش می‌برد، زن آهسته از خانه بیرون می‌رفت و تا صبح در کنار معشوق می‌ماند. درودگر از این وضعیت کارد به استخوانش رسید، با خود اندیشید تا زن را طلاق دهد و با زنی آبرومند ازدواج کند تا حرفش بر سر زبان‌ها نباشد. شبی زن از خانه بیرون رفت و مرد در خانه را محکم بست. زن هنگامی که به خانه بازگشت، با در بسته روبه‌رو شد، از شوهرش خواست تا در را باز کند. درودگر گفت: از اینجا برو، مگر نه بیرون می‌آیم و تیشه‌ای که از دست تو بر پایم زده‌ام، بر سرت می‌زنم. چاهی عمیق نزدیک در بود. زن گفت: اگر در را باز نکنی، خود را به چاه می‌اندازم تا شحنه تو را قصاص کند. زن سنگی بزرگ را در چاه انداخت و پشت دیواری پنهان شد. درودگر بیرون آمد تا ببیند چه شده است؟ زن به داخل خانه رفت، در را بست و شروع به فریاد زدن کرد. همسایگان پرسیدند: چه پیش آمده است؟ زن گفت: شوهر من مردی فقیر است. من با تمام فقر او ساختم‌ام. اما او به جای آنکه از من سپاسگزاری کند، هر شب از خانه بیرون می‌رود و تا صبح باز نمی‌گردد. مرد از گستاخی و دروغ زن عاجز ماند. هر دو قرار گذاشتند برای داوری پیش حاکم شرع بروند. زن با حيله جریان را برای قاضی تعریف کرد. مرد حکایت را به راستی بیان کرد. حاکم شرع زن را تحدید و مجازات کرد (وراوینی، ۱۳۶۶: ۱۶-۲۰).

ردیف	بخش‌ها	داستان کلیله و دمنه	داستان مرزبان‌نامه
۴	نقطهٔ نزول	معشوق به خواست زن در مورد علاقهٔ زن به شوهرش سؤال می‌کند و جواب زن به معشوق، شوهر را می‌فریبد.	زن برای مظلوم‌نمایی فریاد می‌زند.
۵	نقطهٔ پایانی	مرد زن را حلال می‌کند.	مرد و زن هر دو پیش حاکم شرع برای داوری می‌روند و زن مجازات می‌شود.

آغاز دو داستان به یکدیگر شبیه است، دو داستان با اطناب به توصیف زیبایی زنان پرداخته‌اند. نقطهٔ صعود دو داستان نشان از خبرچینی و توجه به امور خصوصی زندگی دیگران در جامعهٔ ایرانی از دیرباز تاکنون دارد. نقطهٔ اوج داستان‌ها حول محور نیرنگ می‌چرخد (در بخش گفتمان‌ها به این مسئله پرداخته شده است). نقطهٔ نزول داستان‌ها در لایه‌های پنهان متن نیرنگ و شرح نقطهٔ اوج است. اما نقطهٔ پایانی دو داستان با یکدیگر کاملاً متفاوت است. این بخش‌ها با یکدیگر پیوندهای بینامتنی دارند. اما هر نویسنده با توجه به جهان‌بینی و دایرهٔ واژگان خود و زمان تألیف هر متن داستان را بیان کرده است.

پس از بخش‌های زنجیره‌ای داستان‌ها عناصر تشکیل‌دهنده در رابطه‌های بینامتنی و گفتمان‌های هر داستان قابل بحث و بررسی است:

**الف) پیرنگ:** پیرنگ تنها توالی وقایع نیست بلکه مجموعهٔ سازمان یافته‌ای از وقایع است که با یکدیگر رابطهٔ علی و معلولی پیوندخورده دارند. پیرنگ با الگویی معین مرتب شده است (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۶۴). پیرنگ دو داستان در لایه‌های پیدای متن، حول مبحث خیانت و روابط مخفیانهٔ زنان داستان با معشوقان آنها و در لایه‌های پنهان متن نارضایتی از ازدواج‌های نامناسب است که حوادث را در داستان می‌سازد. برای پیشبرد داستان‌ها دو زن نیرنگ می‌کنند، بنابراین، شخصیت‌ها در رابطهٔ با حوادث در کشمکش با یکدیگر اند.

**ب) شخصیت:** شخصیت از عناصر مهم و بحث برانگیز داستان است. شخصیت‌ها، گفتگوها و حوادث داستان را می‌سازند. شخصیت به پیرنگ، فضا، صحنه، سبک، گفت‌وگو و... رنگ می‌دهد. آنها را باید ستون‌های یک ساختمان دانست، زیرا اثر روی آنها بنا می‌شود، هر قدر این ستون‌ها مستحکم‌تر باشند، بنا محکم‌تر و پایدارتر خواهد بود (دقیقین، ۱۳۷۰: ۱۷). دو زن، دو مرد و دو معشوق شخصیت‌های این دو داستان را می‌سازند. زنان در داستان‌ها، شخصیتی نیمه پویا دارند.

هر دو برای تغییر حادثه تلاش می‌کنند، اما حادثه‌ای که مسیر داستان را تغییر بدهد و تحولی در روند داستان ایجاد کند نمی‌آفرینند. مردان و معشوقان شخصیتی ایستا دارند و تغییراتی جزئی در شخصیتشان دیده می‌شود.

نویسندگانی که طبقه‌ای از اجتماع را در دورانی خاص به عنوان پروتوتیپ<sup>۱</sup> کلی اثر خود برمی‌گزینند، می‌کوشند تا در وجود یک یا چند شخصیت داستان خود، ویژگی‌های عمومی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانی افراد آن طبقه را به تصویر بکشند (همان: ۱۰۳). شخصیت‌های دو داستان پروتوتیپ‌های جامعه‌ای هستند که نویسنده در آن زندگی می‌کند و با حضور این شخصیت‌ها نویسنده مسائل و مشکلات زندگی افراد را در دوره‌ی غزنوی و خوارزمشاهی بیان کرده است.

تمام شخصیت‌ها در این دو داستان قالبی‌اند. شخصیت‌هایی که نسخه بدل یا کلیشه‌ی شخصیت‌های دیگری هستند (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۹۶). نمونه‌های شخصیت کلیشه‌ای زنان مکار با فساد اخلاقی در متون فارسی بسیار است. نحوه‌ی عمل آنها برای خواننده مشخص است، هر دو به خیانت فکر می‌کنند. شخصیت قالبی مردان نیز شخصیت‌های روزمره‌اند. هر دو تلاش می‌کنند تا از حرف مردم رها شوند. اما در داستان مرزبان‌نامه مرد برای رهایی از گرفتاری به ازدواجی دیگر فکر می‌کند، از ویژگی‌های شخصیت‌های ایستا که نمونه‌ی آن در متون کهن بسیار است. شخصیت قالبی معشوق، مردی که منتظر فرصت برای به کام رسیدن خود است و هیچ‌گونه پویایی ندارد.

شخصیت‌ها می‌بایست نه نمونه‌ی مطلق پرهیزگاری و خوبی و نه بدسرشت و شریر بلکه ترکیبی از خوبی و بدی و مجموعه‌ای از فردیت و اجتماع باشند (همان: ۸۵-۸۶). هر دو زن، شخصیت اول داستان‌ها، هنگامی که می‌خواهند خود را در پیش چشم شوهرانشان خوب جلوه دهند پرهیزگار می‌شوند و هنگامی که می‌خواهند پیش معشوق بروند دیگر به شوهران خود فکر نمی‌کنند و ذات واقعی خود را نشان می‌دهند.

شخصیت‌های دو داستان خویشکاری‌هایی<sup>۲</sup> دارند، در جدول ذیل مطابق دیدگاه شخصیت‌شناسی پراپ این خویشکاری‌ها بررسی شده است تا با کمک آن بتوان گفتمان‌های حاکم و روابط بینامتنی این دو داستان را استخراج کرد:

۱. «پروتوتیپ‌ها، یعنی نمونه‌های اولیه‌ای که در زندگی واقعی به نوعی ذهن نویسنده را، برای خلق یک کاراکتر تحریک کرده و به او ابزارها و مواد خام لازم برای این آفرینش را بخشیده‌اند، انکار نکرده است» (دقیقیان، ۱۳۷۰: ۵۸).  
 ۲. «خویشکاری یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود» (پراپ، ۱۳۸۶: ۵۳).

جدول شماره ۲: خویشکاری شخصیت‌ها در دو داستان  
«درودگر و زن او و دوستگان زن» و «درودگر با زن خویش»

ردیف	خویشکاری‌های اشخاص قصه بر اساس دیدگاه شخصیت‌شناسی پراپ	شخصیت‌های داستان کلیله و دمنه	شخصیت‌های داستان مرزبان‌نامه
۱	«یکی از اعضای خانواده، از خانه غیبت می‌کند» (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۰).	مرد ظاهراً به سفر می‌رود.	زن هر شب خانه را ترک می‌کند.
۲	«قهرمان قصه از کاری نپهی می‌شود» (همان: ۶۱).	هنگامی که مرد به سفری صوری می‌رود، به زن می‌گوید: در خانه باید محکم بسته شود تا خللی نیفتد.	هنگامی که زن از خانه بیرون می‌رود، مرد او را از ورود مجدد به خانه نپهی می‌کند.
۳	«فاجعه یا گره قصه همراه با عمل شرارت آغاز می‌گردد» (همان: ۶۹).	در لایه‌های پنهان متن زن با شرارت معشوق را به خانه دعوت می‌کند.	در لایه‌های پنهان متن زن با شرارت به خانه معشوق می‌رود.
۴	«شریر کسی را جاننشین کس دیگری می‌کند» (همان: ۷۴). «شریر به زور کسی را برای ازدواج می‌خواهد» (همان: ۷۵).	زنان دو داستان معشوق را جاننشین شوهران می‌کنند. در لایه‌های پنهان متن زنان از زندگی خود راضی نیستند، معشوق را به زور برای ازدواج نمی‌خواهند، اما رابطه‌ای با کس دیگر به غیر از شوهر خود دارند.	
۵	«یکی از افراد خانواده یا فاقد چیزی است یا آرزوی داشتن چیزی را دارد» (همان: ۷۸).	مردان دو داستان مال و ثروت ندارند. زنان آرزوی مردی مطابق میل خود دارند.	
۶	«بدبختی و مصیبت اعلان می‌شود» (همان: ۸۱).	در دو داستان از مصیبت در زندگی‌ها صحبت می‌شود. کلمات این دو بخش داستان‌ها نشان از بدبختی دارد. «... و طایفه خُسران بران وقوف یافتند و درودگر را اعلام کردند» (منشی، ۱۳۷۹: ۲۱۸). «... اندیشید که من این نابکار را بدینچ می‌کند، رسوا کنم و طلاقش دهم که میان اقران و اخوان چون سفره خوان عرض من دست مال ملامت شد و خود را مضغه هر دهنی و ضحکه هر انجمنی ساختم...» (وراوینی، ۱۳۶۶: ۶۱۷-۶۱۸).	
۷	«شریر شکست می‌خورد» (همان: ۱۱۱).	زن با ساده لوحی مرد پیروز می‌شود.	قاضی زن را شکست می‌دهد.
۸	«شریر مجازات می‌شود» (همان: ۱۳۱).	مرد از زن حلالیت می‌گیرد.	قاضی برای زن حکم تعزیر و تحدید می‌دهد.



بررسی شخصیت‌ها در این دو داستان بازتاب‌دهنده مسائل اجتماعی و خانوادگی در لایه‌های پنهان متن است. در دوره تاریخی غزنوی، ازدواج، آداب و رسوم خاص و مشکلاتی را نیز به همراه داشته است. می‌توان به صورت اجمالی و با توجه به تاریخ اجتماعی ایران بیان کرد: ازدواج دختر غالباً با یکی از خویشاوندان نزدیکش صورت می‌گرفته است، به دلیل آنکه عقدشان در آسمان‌ها بسته شده، اما در واقع پدران می‌خواستند تا ثروت از چارچوب خانواده بیرون نرود و به دست بیگانه نیفتد. اینگونه وصلت‌ها و کلاً ازدواج‌هایی که بنا به مصالح اقتصادی و خانوادگی انجام می‌یابد، در اغلب موارد با عشق و دلدادگی همراه نیست و اصولاً پرده‌نشینی مبالغه‌آمیز زنان، رسمی که رعایت عفاف و پاکدامنی را با بندی بودن در خانه مخلوط می‌کند، مانع از آشنایی و مصاحبت پاکدلانه مردان با زنان می‌شده است (ستاری، ۱۳۸۷: ۲۱۶). در لایه‌های پنهان متن این دو داستان و در متن داستان اصلی کتاب کلیله و دمنه (یعنی باب چهارم، بوف و زاغ) و مرزبان‌نامه (باب هشتم، شتر و شیر پرهیزگار) می‌توان این مسائل و مشکلات به وجود آمده را مشاهده کرد.

**پ) حقیقت‌مانندی:** حقیقت‌مانندی داستان را پیش چشم خواننده مستدل و محتمل جلوه می‌دهد و اینگونه خواننده آن را می‌پذیرد (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۴۲). نویسنده در این دو داستان وقایع را دقیق و با ریزه‌کاری در کنار یکدیگر چیده است. در داستان کلیله و دمنه زن، پای مرد را از زیر تخت می‌بیند و زن از معشوق می‌خواهد در مورد صحت عشقش به شوهر از زن بپرسد. در داستان مرزبان‌نامه، زن با حیلۀ سنگی بزرگ را در آب می‌اندازد. معیار سنجش حقیقت در داستان‌ها کمی تغییر می‌کند، اما خواننده داستان را تا پایان می‌خواند.

**ت) درون‌مایه:** درون‌مایه داستان‌ها به مکر و حیلۀ زنان، خیانت آنان به شوهرانشان و رضایت نداشتن از وضع موجود در زندگی می‌پردازد. درون‌مایه به عنوان فکر و اندیشه حاکم در داستان جهت فکری و ادراکی نویسنده را نشان می‌دهد (همان: ۱۷۴). درون‌مایه این دو داستان جهت فکری نویسندگان آن را در جامعه‌ی زمانشان یعنی اندیشه مرد سالارانه بیان می‌کند. در باب بوف و زاغ؛ و شتر و شیر پرهیزگار نیز درون‌مایه خیانت مطرح شده است و چون داستان‌های این دو کتاب اپیزودیک هستند، در نتیجه درون‌مایه داستان اصلی در داستان‌های فرعی نیز تأثیر می‌گذارد.

**ث) موضوع:** شامل پدیده‌ها و حادثه‌هایی است که داستان را می‌آفریند و درون‌مایه را به تصویر می‌کشد (همان: ۲۱۷). موضوع دو داستان از واقعیت جامعه‌ی زمان تألیف این دو کتاب نشأت گرفته است. در لایه‌های پنهان متن به موضوع ازدواج‌های بدون تناسب و آگاهی در جامعه‌ای که منافع شخصی مطرح است پرداخته می‌شود. در بعضی از قسمت‌های داستان‌ها حرف نویسنده برای

خواننده غیرقابل باور است. اما واقعیت جامعه در تار و پود روح انسان‌های جامعه‌شان را مشاهده و بیان کرده‌اند. طبقه اجتماعی مردان این دو داستان از طبقه سوم جامعه است. در طبقه سوم جامعه، بسیاری از مسائل حول محور مسائل مالی و تأمین معاش زندگی می‌چرخد. بنابراین، گاه تمام وقت مردان به کار و تأمین معاش پرداخته می‌شود و به دیگر مسائل زندگی نمی‌پردازند. از طرفی زنان که بدون حق انتخاب، شوهری برای آنها برگزیده شده، گاه با چنین رویکردی به معشوق رو می‌آورند. با نگاه تاریخی-اجتماعی به این موضوع در دوره‌های تاریخی می‌توان گفت: گاه پادشاهان و حاکمان برای دوستی و حفظ رابطه سیاسی میان دو کشور و دو حکومت، از رابطه‌های ازدواج کمک می‌گرفتند. در دوره غزنوی این‌گونه ازدواج‌ها از آداب و رسوم درباری است. شاه یکی از دختران سلطان مورد نظر را به عقد پسر خود و یا عقد خود در می‌آورد یا دختر خود را به پسر سلطان یا فرمانروا می‌داد. بسیاری از این ازدواج‌ها جنبه مصلحتی و سیاسی داشته است و رابطه دو حکومت را مستحکم‌تر می‌کرده است (نازک‌کار، ۱۳۸۲: ۴۳).

نصرالله منشی در نزد غزنویان منشی دربار است، مسائل موجود در دربار را مشاهده می‌کند. او در متن کتاب خویش که ترجمه‌ای آزاد است مباحث مورد نظرش را نیز بیان می‌کند. از طرفی وی نمی‌تواند این مسائل را در دربار و در مورد درباریان بیان و جامعه خود را نقد کند. بنابراین، برای بیان این منظور از طبقه سوم جامعه کمک گرفته است که چیزی برای از دست دادن ندارند. وراوینی نیز کتاب خود را ترجمه‌ای آزاد کرده، همچنین در کتابش از متن کلیله و دمنه تأثیر گرفته، بنابراین، او نیز مسائل زمانش را در جامعه طبقه سوم بیان کرده است.

**ج) زاویه دید:** زاویه دید در آغاز هر دو داستان با زاویه دید بیرونی شروع می‌شود. داستان کلیله و دمنه در باب بوف و زاغ است. وزیر پنجم با پادشاه زاغان در حال گفتگو است و داستان درودگر را برای استحکام بیشتر داستان اصلی روایت می‌کند. اما در میان داستان «درودگر و زن او و دوستان زن» زاویه دید درونی می‌شود و اشخاص داستان با یکدیگر صحبت می‌کنند. در مرزبان‌نامه داستان از زبان شتر که در حال مشاجره با خرس است با زاویه دید بیرونی آغاز می‌شود. اما در میانه داستان اشخاص مانند داستان کلیله و دمنه با زاویه دید درونی صحبت می‌کنند که به شیوه زاویه دید دانای کل معروف است (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۳۹۶). با این زاویه دید خواننده از جوانب و ریزه‌کاری‌های داستان آگاه می‌شود. پایان دو داستان مجدداً با زاویه دید بیرونی جمع‌بندی می‌شود.

**چ) صحنه:** عنصر دیگر در بررسی عناصر داستان، صحنه یکی از عناصر مهم در تحلیل داستان است. «زمان و مکان» بخشی از جامعه است. بنابراین، چگونگی پرداختن به عنصر صحنه

در یک داستان اهمیت دارد. زمان تاریخی ترجمه داستان کلیله و دمنه در دوره غزنوی در آغاز قرن ششم و زمان ترجمه داستان مرزبان‌نامه در دوره خوارزمشاهیان در پایان قرن ششم است، هر دو بازه زمانی نشان از ناامنی دارد و در لایه‌های پنهان داستان حس می‌شود. زمان اصلی صحنه دو داستان شب است که گاه ناامنی یکی از ویژگی‌های شب به شمار می‌رود، زیرا در تاریکی شب چشم‌ها کمتر توانایی دیدن دارند. مکان دو داستان خانه است، داستان کلیله و دمنه در خانه زن و مرد و داستان مرزبان‌نامه در خانه معشوق اتفاق می‌افتد. از لحاظ جامعه‌شناسی سقف با خود فضای محدود و سر بسته را ایجاد می‌کند. بنابراین، فضا خصوصی تر می‌شود. در داستان کلیله و دمنه اسباب و لوازم (تخت) و در داستان مرزبان‌نامه فضای بیرونی خانه چاه نماد گرفتاری و درب نماد رهایی تصویر شده است.

**ح) گفت و گو:** گفت و گو عمل داستانی را پیش می‌برد؛ با ذهنیت شخصیت‌های داستان هماهنگی و هم‌خوانی دارد؛ حس طبیعی بودن را به خواننده القا می‌کند؛ فعل و انفعال و افکار شخصیت‌ها معلوم می‌شود؛ واژه‌ها، ضرباهنگ، درازی و کوتاهی جمله‌ها به گویندگان آنها ارتباط دارد و به تفسیر و توضیح داستان کمک می‌کند (همان: ۴۷۱-۴۷۲). گفت و گو مسیر داستان را می‌سازد. خواننده با گفت و گو به افکار شخصیت‌ها پی می‌برد. در داستان کلیله و دمنه، هنگامی که زن با معشوق گفت و گو می‌کند، فریب و نیرنگ در شخصیت زن نمایان و هنگام گفت و گوی زن با شوهر، ساده‌لوحی مرد نمایش داده می‌شود. در داستان مرزبان‌نامه، با گفت‌وگوی زن و مرد ذهنیت آنان به خواننده القا می‌گردد. زن این داستان نیز در فکر فریب است و مرد ساده‌لوح نشان داده شده است. راوی در دو داستان تصویری از وضعیت موجود می‌سازد تا پیرنگ داستان را بیان کند، گفت و گوها میان اشخاص پیرنگ را محکم تر می‌کند.

**خ) سبک:** سبک هر نویسنده نشان از فکر و ایدئولوژی او دارد. کلیله و دمنه که قدیم‌ترین نثر مصنوع است، نثر فارسی را دگرگون کرد (بهار، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۳۷). سبک کلیله و دمنه نثر فنی است و از مقوله ادب تعلیمی به شمار می‌رود. این کتاب بر پایه موازنه، قرینه‌سازی، مزدوجات، مترادفات و سجع است، در ضمن آنکه صنایع دیگری همچون موزونی عبارات، توصیف، اطناب، مطابقه، مراعات‌النظیر، جمع بین اضداد، جمع، تفریق، سیاق‌الاعداد، کنایه‌ها، استعاره‌ها، تشبیه‌ها، ارسال‌المثل، طردالعکس و ظریف کاری‌های دیگر را می‌توان در آن مشاهده کرد (همان: ۲۷۰). این موسیقی‌های درونی و بیرونی کلیله و دمنه را جاودان کرده و این نوع سبک کلیله و دمنه داستان «دردگر و زن او و دوستگان زن» را مانند پلانی از یک فیلم برای خواننده به نمایش گذاشته است.

سبک داستان مرزبان‌نامه، در پایان قرن ششم، سبک نثر فنی است. وراوینی از پیروان روش «ترجمه و تهذیب» و کتابش در نوع ادب تعلیمی قرار دارد. مرزبان‌نامه نیز مانند کلیله و دمنه از همان سبک استفاده از موازنه، ازدواج و مترادفات پیروی کرده و تا می‌توانسته از سجع پی‌درپی استفاده نکرده است و گویی از نسل‌های پسین کلیله و دمنه به شمار می‌رود (همان، ج ۳: ۱۶).

تأثیر زبان و ادبیات دوره غزنوی در دوره‌های پس از آن کاملاً مشهود است. مرزبان‌نامه و سعدالدین وراوینی هر دو تحت تأثیر نصرالله منشی و کلیله و دمنه بوده‌اند. اما مرزبان‌نامه ویژگی‌های سبکی‌ای دارد که منحصر به فرد است و نمی‌توان آن را تقلید صرف بدون تغییر در معنا، محتوا، صرف و نحو از کلیله و دمنه دانست. همان‌طور که در بسیاری از قسمت‌های تحلیل عناصر داستان این تفاوت‌ها دیده می‌شود. سینمای مرزبان‌نامه تصویری تر از کلیله و دمنه و متن کلیله و دمنه فاخرتر است. آغاز داستان مرزبان‌نامه برای بیان زیبایی زن و شغل مرد تصویری‌تر و آغاز داستان کلیله و دمنه توصیفی‌تر است. در دو داستان نویسندگان (مترجمان) از عبارت یا شعر عربی استفاده کرده‌اند.

**د) فضا و رنگ:** بررسی فضا و رنگ آخرین عنصر در خوانش و تحلیل این دو داستان است. فضا و رنگ در این داستان‌ها، فضا و رنگ فریب است. شب در ماهیت خود تاریک است و تاریکی ابهام دارد. شب فضا و رنگ فریب و خیانت را در پیرنگ قوی‌تر می‌کند. در آغاز داستان‌ها با توصیف زیبایی زنان فضا و رنگ زیبایی بیان می‌شود. با ورود معشوق فضا و رنگ داستان تغییر می‌کند، فضای داستان برای زنان شاد می‌شود، خواننده شک می‌کند، مردان مضطرب و نگران می‌شوند و معشوق به کام می‌رسد. در پایان داستان کلیله و دمنه ساده‌لوحی مرد، فضای فریب را پررنگ‌تر می‌کند. اما در داستان مرزبان‌نامه قضاوت حاکم شرع به رنگ و فضای فریب و خیانت پایان می‌دهد. نویسندگان در هر دو کتاب به عناصر داستان و پیوند آنها در دو داستان توجه داشته‌اند. بنابراین، با تحلیل عناصر داستان، رابطه بینامتنی در این دو داستان مستحکم‌تر جلوه می‌کند.

**۳. پیوندهای بینامتنی دو داستان «درودگر و زن او و دوستگان زن» و «درودگر با زن خویش»**  
همان‌طور که گفته شد، تحلیل و بررسی عناصر داستان کمک به شناخت پیوندهای بینامتنی می‌کند. بینامتنیت به این نکته می‌پردازد که متن‌ها به طور بالقوه متکثر، بازگشت‌پذیر، در جایگاه پیش‌انگاشت‌های خاص خواننده، بدون مرزهای روشن و تعریف شده، و همواره درگیر سرایدن یا سرکوب «آواها»ی مکالمه‌یی موجود در جامعه هستند (آلن، ۱۳۸۵: ۲۹۵-۲۹۶).

متن‌ها از یکدیگر تأثیر می‌گیرند، نویسنده خودآگاه و ناخودآگاه از متون پیشین در اثر خود

بهره می‌گیرد. زنجیره تشکیل‌دهنده این دو داستان و عناصر تشکیل‌دهنده آنها، همان طور که در تحلیل عناصر داستان بررسی شد، در بسیاری از موارد نزدیک و شبیه به یکدیگر است، اما دو داستان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. کلیله و دمنه از متون متقدم خود تأثیر گرفته و در بازه زمانی درخشان ادبیات دوره غزنوی ترجمه شده و در متون پس از خود تأثیر گذاشته است.

سعدالدین وراوینی در مقدمه کتاب مرزبان‌نامه، به متون متقدمی که از آنها در ترجمه اثرش کمک گرفته و در آن تأثیر گذاشته‌اند، اشاره می‌کند (وراوینی، ۱۳۶۶: ۸-۹). دو داستان از لحاظ روساخت و ژرف‌ساخت با یکدیگر پیوندهای بینامتنی دارند. در این دو داستان رابطه بینامتنی فشرده‌ای دیده می‌شود، اما هر نویسنده جهان‌بینی خاص خود را دارد و برای بیان هر داستان دایره واژگان آن دو با یکدیگر متفاوت است. گاه مؤلف در متن دوم قصد پنهان پیوند بینامتنی اثر خود را ندارد و نشانه‌هایی را در متن استفاده می‌کند که با آن نشانه‌ها می‌توان رابطه بینامتنی دو متن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را نیز شناخت. اما این نشانه‌ها هیچ‌گاه به صورت صریح استفاده نمی‌شود و به دلایلی بیشتر ادبی اشارات ضمنی بیان می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹). این دو داستان با یکدیگر بینامتنیت ضمنی دارند، نشانه‌هایی در داستان مرزبان‌نامه دیده می‌شود که خواننده مرجع آن را در داستان کلیله و دمنه بدون آنکه پنهان کاری باشد، پیدا می‌کند.

#### ۴. گفتمان‌های داستان‌ها

تحلیل عناصر داستان در درون یک اثر داستانی پیوندهای بینامتنی را به خواننده نشان می‌دهد و پیوندهای بینامتنی در متون گفتمان‌ها را نمایان می‌کند. نظریه گفتمان و بینامتنیت دو رابطه درهم تنیده‌اند و بهتر است این دو نظریه در یک متن با یکدیگر بررسی گردد. گفتمان‌ها در متون تکرار می‌شوند و رابطه‌های بینامتنی را می‌سازند؛ در حالی که پیوندهای بینامتنی در یک جامعه بازتاب‌دهنده گفتمان‌های آن جامعه است.

«... متن نه تنها تکثری از معناها را به جریان می‌اندازد بلکه از گفتمان‌های متعدد به هم بافته شده و در هم تنشی از معناها از پیش موجود است» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۰۱). کلیله و دمنه گفتمان‌های متقدم را در بطن خود دارد و آنها را به متون دیگر نیز انتقال داده، نویسنده به عنوان مترجم نیز گفتمان‌هایی را به آن افزوده است. بسیاری از گفتمان‌هایی که در ادامه بررسی می‌شوند، از دیرباز در جامعه ایرانی شکل گرفته‌اند و بعضی از آنها ماندگار شده‌اند و می‌توان این نمونه‌ها را در دیگر متون ادبی ایرانی نیز جستجو کرد.

**الف) توصیف شغل مردان:** در آغاز دو داستان شغل مردان، درودگری بیان می‌شود:

- «به شهر سرندید درودگری زنی داشت ...» (منشی، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

- «شتر گفت: شنیدم که درودگری بود در صنعت و حذاقت چنان چابک دست که جان در قالب چوب دادی و نگاریده اندیشه و تراشیده تیشه او بر دست او آفرین کردی؛ ...» (وراوینی، ۱۳۶۶: ۶۱۶).  
در ادامه داستان مرزبان‌نامه به فقر و نداری مرد اشاره می‌شود:

«... این شوهر من مردی درویش‌ست، من با فاقه خویش و فقر او می‌سازم...» (همان: ۶۱۹).

نویسنده شغلی برای مردان انتخاب کرده است که در لایه‌های پیدا و پنهان متن فقر و بی‌چیزی آنان را نشان دهد. درودگر شخصیتی قالبی و ساده که چیزی برای از دست دادن ندارد. بنابراین، نویسنده از افکار و اعمال او می‌تواند استفاده کند تا جامعه خود را بازتاباند. این گفتمان در طبقه‌بندی گفتمان‌های اجتماعی و گفتمان‌های اقتصادی قرار می‌گیرد.

**ب) توصیف زیبایی زنان:** پس از توصیف شغل مردان نویسندگان در دو داستان به توصیف

زیبایی زنان می‌پردازند. یکی از گفتمان‌های رایج در بیشتر متون فارسی از دیرباز که رابطه بینامتنی هم در متون نظم و هم نثر فارسی دارد؛ بیان زیبایی ظاهری زن است. در جامعه مرد سالار و پدر شاهی بیشتر به زیبایی زنان تا عقل و خرد آنان توجه می‌شود. به طور کلی اگر زن، شاهزاده نباشد و یا به خاندان پاکان متعلق نباشد، در بیشتر موارد دلیل حضور او در داستان برای ایفای نقشی منفی است (حسین‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۶). در این دو داستان نیز نقش دو زن نقشی منفی است.

«رویی چون تهمت اسلام در دل کافران و زلفی چون خیال شک در ضمیر مؤمن...»

... وَ أَضْدَعُ تَجُولُ عَلَيَّ خُدُودِ

كَمَا جَادَ الشَّقِيقَ ضُحَى سَمَاءُ

كَأَنَّ بِهَا عَقَارِبَ رَاقِصَاتِ

مِنَ الْوَرْدِ الْجَنِّي لَهَا وَطَاءُ

(منشی، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

«... زنی داشت چنان نیکو روی خوب پیکر که این دو بیت غزل‌سرایان خاطر در پرده حسب

حال او سرایند:

ای شکسته به نقش رخسارت

سر پرگار وهم در کارت

## همه صورت گران چین بایند

تا بچینند درد رخسارت ...»

(وراوینی، ۱۳۶۶: ۶۱۶).

**پ) حضور معشوق:** در دو داستان حضور مردی به جزء شوهر در محیط خانه بیان شده است. گفتمان حضور معشوق و معاشقت با دیگری از دیرباز در متون بیان شده و در جامعه ایرانی مشهود است. «و همسایه را بدو نظری افتاد کار میان ایشان به مدت گرم ایستاد» (منشی، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

«چون او برفت زن میره را بیآگاهانید و میعاد آمدن قرار دادن...» (همان: ۲۱۸).

«زن را سلسله عشق و دوستی دیگر که با او پیوند داشتی، بجنیبیدی، آهسته از در بیرون رفتی و تا آنکه که غنودگان طلایع روز سر از جیب افق بیرون کنند، با خانه نیامدی...» (وراوینی، ۱۳۶۶: ۶۱۷). این گفتمان، بینامتنیت‌های بسیاری در متون فارسی ساخته است. در بحث گفتمان حضور معشوق گفتمان حضور رقیب و غیرت عاشق در لایه‌های پیدا و پنهان متن نیز قابل بررسی است. «... [مرد] میره قوم را آنجا دید» (منشی، ۱۳۷۹: ۲۱۸).

«... اگر نه آزار تو حجاب بودی من آن مرد را رنجور گردانیدی و عبرت دیگر بی‌حفاظان

کردمی،...» (همان: ۲۲۰).

پس از آن گفتمان ترس از رسوایی و با خبر شدن دیگران و بلند شدن کوس رسوایی بیان می‌شود. «... و طایفه خُسران بران وقوف یافتند و درودگر را اعلام کردند» (همان: ۲۱۸).

«... که میان اقران و اخوان چون سفره خوان عرض من دست مال ملامت شد و خود را مضغه

هر دهنی و ضحکه هر انجمنی ساختم...» (وراوینی، ۱۳۶۶: ۶۱۷-۶۱۸).

«همسایگان جمع آمدند که چه افتاد؟» (همان: ۶۱۹).

در مرزبان‌نامه مرد برای حل مشکل به گفتمان طلاق و زنی از خانواده نیکو گرفتن می‌اندیشد. «... درودگر را کار به جان و کارد به استخوان رسید، اندیشید که من این نابه‌کار را بدینچ می‌کند،

رسوا کنم و طلاقش دهم...» (همان: ۶۱۷).

«... او را رها کنم و از خاندان صیانت و خدر دیانت سرپوشیده را در حکم تزوج آرم که بدو

سرفراز و زبان دراز شوم...» (همان: ۶۱۸).

این گفتمان از گفتمان‌های اجتماعی و گفتمان‌های خانوادگی است.

در دوره غزنوی عشق‌ورزی حکام به کنیزکان و غلامان مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup> نویسنده این گفتمان را درون متن برای بازتاب جامعه در طبقه سوم اجتماعی بیان می‌کند. تعامل‌های درون و برون متنی شامل بافت‌های فرهنگی و اجتماعی‌اند که معنا و پیام یک گفتمان را بیان می‌کنند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۲۵). معنا و پیام کلی گفتمان این دو داستان بافت فرهنگی و اجتماعی در قرن ششم و بازتاب کلیله و دمنه در مرزبان‌نامه را بیان می‌کند. این گفتمان پیوندهای بینامتنی بسیاری در متون نظم و نثر فارسی از دیرباز تا کنون ساخته است.

**ت) مکر و حيله:** مکر و فریب از گفتمان‌ها و بینامتنیت‌های رایج در متون فارسی است. درون‌مایه دو داستان در نقطه اوج داستان، مکر و حيله زنانه است. مکر زنانه که داستان‌های شگفت بسیار درباره آن همیشه در محافل و مجالس مردانه نقل شده، در واقع جلوه‌ای از هوش و ذکاوت زنان یعنی همان حيله‌گری، چالاکي و تردستی‌شان در برابر مردان و به منزله کین‌خواهی و انتقام‌جویی زنان از افرادی است که خود را مالک و ارباب آنان همچون برده و کنیز پنداشته‌اند (ستاری، ۱۳۸۷: ۲۱۹). دو زن برای دیدار معشوقان خود دست به فریب‌کاری می‌زنند.

«و راست بدان درودگر مانی که بگفت زن نابکار و فریفته گشت» (منشی، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

«زنی داشت به وعده روبه بازی به عشوه شیر شکاری» (همان).

«ناگاه چشم زن بر پای او افتاد، ... معشوقه را گفت: آواز بلند کن و بپرس که «مرا دوستر داری یا شوی را؟» ... زن گفت: زنان را از روی سهو و زلت یا از روی شهوت از این نوع حادث‌ها افتد و از این جنس دوستان گزینند که بحسب و نسب ایشان التفات نمایند، ...» (همان: ۲۱۹).

«... زن خویشتن در خواب کرد» (همان: ۲۲۰).

«... نقش‌بندی حیل زنان هم به کمال دانستی...» (وراوینی، ۱۳۶۶: ۶۱۷).

«پس سنگی بزرگ به دست آورد و در آن چاه انداخت و از پس دیواری پنهان شد» (همان: ۶۱۹).

«زن از جایی در خانه بجست و در بیست و مشغله و فریاد برآورد» (همان).

«... هر شبانگاه از خانه بیرون شود و هر صبح دم در آید...» (همان).

«زن آغاز کرد و صورتی که نگاشته خدیعت ... او بود» (همان).

کلماتی که در این بخش‌های دو داستان استفاده شده، بیانگر فریب و مکر در لایه‌های پیدا و پنهان متن است: فریفته، روبه‌بازی، در خواب کردن، نقش‌بندی حیل، پنهان، خدیعت و ... انتخاب و کاربرد

۱. عشق‌ورزی سلطان محمود به اباز در متون نظم و نثر فارسی از مشهورترین این عشق‌ها در دوره غزنوی و دوره‌های پس از آن است.





نام برای افراد، اشیا و فعالیت‌ها واکنش دیدگاه خاصی ست که می‌تواند هم بار منفی هم مثبت داشته باشد (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۶۱). نویسنده با استفاده از این کلمات بار منفی داستان را بیشتر به خواننده القا می‌کند. همان‌طور که گفته شد، داستان «درو دگر و زن او و دوستان زن» در باب بوف و زاغ و داستان «درو دگر با زن خویش» در باب شتر و شیر پرهیزگار است. حکایت‌های درون هر باب آن را شرح و توضیح و در ژرف ساخت و روساخت حکایت‌ها با باب‌ها مرتبط‌اند و آن باب را تکمیل می‌کنند. گفتمان مکر و فریب در این دو باب نیز دیده می‌شود.

نویسنده برای بیان این حکایت‌های تعلیمی و نتیجه‌گیری آنها می‌خواهد درسی اخلاقی به خواننده دهد. «حکایت‌های اخلاقی برای ترویج اصول مذهبی و درس‌های اخلاقی قصه‌های ساده و کوتاهی‌اند که حقیقت‌های کلی و عام را تصویر می‌کند و ساختار آن برای تحکیم و تأیید قصد و غرض‌های اخلاقی ساخته می‌شود که معمولاً این قصد صریح و آشکار است (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۸۴). گفتمان مکر و فریب در جامعه ایرانی و متون فارسی گفتمانی اخلاقی و اجتماعی است.

**ث) حلالیت طلبیدن و قصاص کردن:** گفتمان مذهبی حلالیت گرفتن و قصاص کردن نقطه پایانی داستان‌ها است. نتیجه‌گیری دو داستان نقطه مقابل یکدیگر است. در داستان کلیله و دمنه مرد با چاره‌اندیشی و آینده‌نگری زن را می‌آزماید و حلالش می‌کند. این گفتمان در باب بوف و زاغ نیز دیده می‌شود. «خواست که زیادت ایقانی حاصل آرد آنگاه تدارک کند، زن را گفت: من برّوستا می‌روم...» (منشی، ۱۳۷۹: ۲۱۸).

«... و مرا بجل کن که در باب تو هر چیزی اندیشیدم و از هر نوع بدگمانی داشت» (همان: ۲۲۱). اما در داستان مرزبان‌نامه گفتمان قضاوت برای قصاص بیان می‌شود. ابتدا زن می‌خواهد تا مرد قصاص شود، اما با راست‌کرداری مرد، قاضی زن را قصاص می‌کند. «... تا فردا شهنه شهر به قصاص من خون تو بریزد» (وراوینی، ۱۳۶۶: ۶۱۸). «قرار بر آن افتاد که هر دو پیش حاکم شرع روند و این حال مرافعت کنند؛ رفتند و به داوری نشستند» (همان: ۶۱۹).

«زن را حکم تعزیر و تحدیدی که در شرع واجب آید، بفرمودند» (همان). در باب شتر و شیر پرهیزگار گفتمان قضاوت و قصاص بیان می‌شود، در پایان باب هشتم، اعدام خرس دقیقاً مانند پایان این داستان است.

گفتمان‌های این دو داستان در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه هم در دو متن تکرار شده‌اند، هم در متون دیگر فارسی مشاهده می‌شوند و پیوندهای بینامتنی را می‌سازند. این گفتمان‌ها جامعه ایرانی

به خصوص دوره تاریخی غزنوی را تأویل می‌کنند. نویسنده با جهان‌بینی‌های خود و جهان‌بینی‌های موجود در جامعه‌اش ساختار اجتماعی زمان تألیف کتاب را بیان می‌کند.

### نتیجه‌گیری

متون فارسی در دوره غزنوی از متون درخشان و با ظرفیت‌های بالای ادبی، تاریخی، اجتماعی و... در تاریخ ادبیات فارسی هستند. این متون در این دوره تألیف یا ترجمه شده‌اند که متونی تأثیرگذار در دوره‌های بعدی تاریخ ادبیات ایران به شمار می‌روند.

با خوانش داستان «دروگر و زن او و دوستگان زن» از کتاب کلیله و دمنه با پیوندهای بینامتنی و گفتمان‌های مشترک آن با داستان «دروگر با زن خویش» از کتاب مرزبان‌نامه می‌توان گفت: گفتمان‌ها رابطه‌های بینامتنی را می‌سازند و بینامتنیت‌ها گفتمان‌های مشترک متون را نشان می‌دهند. بنابراین، هر دو داستان پیوندهای بینامتنی با یکدیگر دارند. این رابطه‌های بینامتنی گفتمان‌های مشترک دو متن را نشان می‌دهند، بسیاری از این گفتمان‌ها در جامعه ایرانی از دیرباز تا کنون مشاهده می‌شوند. با آنکه دو کتاب در قرن ششم ترجمه شده‌اند، رابطه‌های علی و معلولی عناصر داستان در آنها مانند یک داستان با معیارهای نقد جدید قابل بررسی و استوار است.

نصرت‌الله منشی و سعدالدین وراوینی دو نویسنده درباری بوده‌اند که مسائل اجتماعی، تاریخی و... زندگی‌شان و دربار را در لایه‌های پیدا و پنهان آثارشان بیان کرده‌اند. دو نویسنده آسیب‌های فردی و اجتماعی ازدواج‌های نامناسب در شخص و جامعه را مانند: نیرنگ، خیانت، محکم نبودن پیوندهای زناشویی و... در متن دو داستان بررسی کرده‌اند.

داستان مرزبان‌نامه بینامتنیت ضمنی با داستان کلیله و دمنه دارد. ارزش این دو متن تنها به ارزش ادبی آنها نیست، بلکه این دو متن مسائل اجتماعی زمان تألیف و ترجمه‌شان را بازتاب می‌دهند. با خوانش این دو داستان با رویکرد بینامتنیت، گفتمان‌های پیدا و پنهان این دو متن قابل بررسی است.

### کتابنامه

- آقا گل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل انتقادی گفتمان*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آلن، گراهام. (۱۳۸۵). *بینامتنیت*. مترجم پیام یزدان‌جو. ویراست دوم. تهران: مرکز.
- ایبرمز، می‌پروارد. (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی (انگلیسی-فارسی)*. مترجم سعید سبزان. تهران: رهنما.

- بهار، محمد تقی. (۱۳۷۳). سبک‌شناسی. ج ۳. چ ۷. تهران: امیرکبیر.
- بهار، محمد تقی. (۱۳۷۳). سبک‌شناسی. ج ۲. چ ۷. تهران: امیرکبیر.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۸۶). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. مترجم فریدون بدره‌ای. چ ۲. تهران: توس.
- حسین‌زاده، آذین. (۱۳۸۶). زن آرمانی، زن فتنه. چ ۲. تهران: قطره.
- دقیقیان، شیرین‌دخت. (۱۳۷۰). منشأ شخصیت در ادبیات داستانی. چاپ افست.
- دولتی، زهره. (۱۳۹۲). «گفتمان و بینامتنیت در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
- رضایی دشت‌ارژنه، محمود. (۱۳۸۷). «نقد و تحلیل قصه‌ای از مرزبان‌نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت». نقد ادبی. ش ۴. زمستان. صص ۳۱-۵۲.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۷). «ماه پنهان». هویت ملی و هویت فرهنگی: بیست مقاله در قلمرو تاریخ و فرهنگ. نوشته و ترجمه جلال ستاری. چ ۳. تهران: مرکز.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). سبک‌شناسی نثر. چ ۱۲. تهران: میترا.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۷). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- کهنمویی‌پور، ژاله و خاوری، سیدخسرو. (۱۳۸۸). «میخائیل باختین و نظام گفتمان ادبی». فصلنامه پژوهشنامه فرهنگستان هنر. ش ۱۲. بهار. صص ۲۳-۳۵.
- منشی، نصرالله. (۱۳۷۹). کلیله و دمنه. تصحیح مجتبی مینوی. چ ۱۸. تهران: امیرکبیر.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۵). عناصر داستان. چ ۵. تهران: سخن.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۶). ادبیات داستانی. چ ۵. تهران: سخن.
- نازک‌کار، ژینوس. (۱۳۸۲). آیین و رسوم رایج در تاریخ بیهقی (و در عهد غزنوی). تهران: ترفند.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها». فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی. ش ۵۶. زمستان. صص ۸۳-۹۸.
- نرماشیری، اسماعیل. (۱۳۹۷). «خوانش تحلیلی گفتمان «شاهزاده و یاران او» در کلیله و دمنه بر پایه نشانه‌معناشناسی». زبان و ادبیات فارسی. ش ۸۵. پاییز و زمستان. صص ۲۱۱-۲۲۹.
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۶۶). مرزبان‌نامه. تصحیح خلیل خطیب‌رهبر. تهران: صفی‌علی‌شاه.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۱). درآمدی بر گفتمان‌شناسی. تهران: هرمس.